

گفت‌وگو با مرجان خسروی بالدی، کارگردان فیلم  
«وادیار»، برگزیده جشنواره بین‌المللی فیلم رشد

## قصه شجاعت و مهربانی کودکان زاگرس

گفت‌وگوکننده: ام‌لیلا صمدی



### اشاره

فیلم کوتاه «وادیار» نشان شهید علی لندی و جایزه پنجاه و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد را در بخش فیلم داستانی کوتاه دریافت کرد. درباره این فیلم با **مرجان خسروی بالدی**، کارگردان این فیلم، گفت‌وگویی کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید: مرجان خسروی دانش‌آموخته دوره لیسانس رشته سینما از دانشگاه علمی کاربردی فرهنگ و هنر است. وی دوره‌های کودکی و نوجوانی را در میان عشایر بختیاری گذرانده است و اکنون فیلم‌هایش را نیز در همین مناطق ساخته است.

□ فیلم‌های خواهران غریب و بچه‌های آسمان **مجید مجیدی** جنبش خوبی در سینمای کودک و نوجوان بودند. من قصه‌های **هوشنگ مرادی کرمانی** را خیلی دوست داشتم. **کیومرث پوراحمد** هم خیلی روی من تأثیر گذاشت. در اقلیم خودم، **فریدون نجفی** فرهنگ‌سازی‌هایی را در مناطق بختیاری راه انداخت. به واسطه نتیجه‌های خوبی که بازیگران او در جشنواره‌های کودک و نوجوان گرفتند، با همکاری خانواده‌های بچه‌ها، مسیر برای کارگردان‌هایی چون من هموار شد.

### □ از فیلم کوتاه «وادیار» برایمان بگویید؟

□ وادیار فیلمی است که من خیلی زیاد دوستش دارم. این فیلم در مورد جسارت بچه‌های زاگرس است؛ بچه‌هایی که با طبیعت مهربان‌اند. هرچند در اقلیمی زندگی می‌کنند که طبیعت با آن‌ها نامهربانی می‌کند، اما آن‌ها یاد می‌گیرند از طبیعت انتقام نگیرند و با آن مهربان باشند. بچه‌هایی که ساکن زاگرس هستند، بیشتر از همه دلشان برای زاگرس می‌سوزد و یاد می‌گیرند علاوه بر اینکه جسور باشند، انتقام‌جو و انتقام‌گیرنده از طبیعت نباشند. بخشش و بزرگی قلب، ویژگی اصلی کودکان زاگرس است. فیلم وادیار هم همین را می‌گوید. حیوانی وحشی به مادر یک کودک حمله کرده است. حالا کودک باید بین انتقام مادرش و یک خرافه و باور

### □ چه شد که به سمت فیلم‌سازی رفتید؟

□ وقتی هفت‌سال داشتم، عمه‌ام در روستای پدری قصه‌ای را برای من تعریف کرد در مورد کودکی بود که به امانت به خانواده دیگری داده شد. با خودم گفتم، وقتی بزرگ شدم فیلم این کودک را می‌سازم. همیشه به همه می‌گفتم وقتی بزرگ شدم می‌خواهم فیلم‌ساز شوم. ابتدا با نمایش مدرسه‌ای شروع و بعد در دانشگاه به شکل حرفه‌ای این کار را دنبال کردم.

### □ نگاه خانواده و اطرافیان به فیلم‌ساز شدن شما چطور بود؟

□ من در محیطی بزرگ شدم که تا فامیل‌های دورتر من، کسی فیلم‌ساز نبود. همه فامیلم تحصیلات عالی داشتند و اینکه من رشته هنر و سینما بخوانم، برایشان عجیب بود. برادرم که در تهران درس می‌خواند و دانشجوی شهید بهشتی بود، مشوق اصلی من بود. وقتی وارد سینما شدم، برادرم هم وارد سینما شد و همکار شدیم. اگر مادرم، پدرم و برادرم از من حمایت نمی‌کردند، به‌طور قطع من سینما را دنبال نمی‌کردم و این میل در حد یک آرزو می‌ماند.

### □ بهترین سینماگرانی که به حوزه کودک و نوجوان پرداختند چه کسانی هستند؟



طبیعت است؛ یعنی مراقب و پاسبان طبیعت.

### ■ ارتباط نوجوان فیلم وادیار با پدر و مادرش در فیلم چگونه است؟

ما در فیلم نشان می‌دهیم نوجوان قصه به خاطر عشق عجیبش به مادرش تصمیم می‌گیرند انتقام مادرش را از طبیعت و آن حیوان بگیرد، اما می‌بیند که آن گرگ، مادری است که برای سیر کردن گرگی کوچک و از روی غریزه‌اش دست به حمله می‌زند. در پایان می‌بینیم، دقیقاً همان عنصر مادرانه موجب نجات طبیعت می‌شود. در طبیعت عنصر مادر همیشه مقدس است. چون مادر نشانه زندگی، زایش و تولد است. انگیزه مادرانه باعث این اتفاق شد. اما همان مادر باعث بخشش هم می‌شود. این ارتباط و تعامل نزدیکی است که نوجوان قصه وادیار با مادرش و واژه مادر طبیعت دارد.

### ■ شخصیت نوجوانی فیلم‌سازان کشورمان چقدر در شکل‌گیری شخصیت نوجوان در فیلم‌هایشان تأثیر داشته است؟

فیلم‌ساز همیشه دنبال چیزی می‌رود که از کودکی دوست داشته و آرزویش را داشته است. همه فیلم‌هایی که

در روستا، یعنی انتقام از طبیعت و آن حیوان وحشی، یکی را انتخاب کند. کودک فیلم وادیار ترجیح می‌دهد با طبیعت مهربان باشد. در مورد فیلم وادیار، هم در کشور و هم در دنیا، اتفاقات خوبی افتاده‌اند که نشان می‌دهند روایت کردن قصه‌های کودکان زاگرس از طریق سینما می‌تواند برای همه جذاب باشد.

### ■ موضوع محوری فیلم وادیار را از یک واقعیت برداشت کرده‌اید؟

بله. فیلم وادیار بر اساس قصه‌ای بود که مادر بزرگم از همان زمانی که من در روستا و عشایر زندگی می‌کردم تعریف کرد. نوجوانی را به‌عنوان بازیگر نقش ساسان انتخاب کردیم که خودش از این قصه بیرون نیست؛ کودکی که با فضای برفی و سخت آن اقلیم آشناست. بچه‌ای که از قبل چندین بار اسلحه به دستش گرفته است.

### ■ ساسان شخصیت محوری شما در فیلم وادیار است. او چه ویژگی‌هایی دارد؟

جسارت، شجاعت، بخشندگی و هوش سرشار ویژگی‌های بارز بچه‌های زاگرس هستند. ساسان فیلم وادیار یکی از همین بچه‌های زاگرس است که شخصیت آن را مسیح نجفی بازی کرده است. وادیار یعنی پاسبانی، سرزدن و مراقب کسی یا چیزی بودن. شاید ساسان قصه ما وادیار



جسارت، شجاعت، بخشندگی و هوش سرشار از ویژگی‌های بارز بچه‌های زاگرس هستند

## شجاعت، بخشش و رفتن به دنبال آرزوها از بزرگ‌ترین ویژگی‌هایی هستند که شخصیت یک فیلم می‌تواند به مخاطبش بدهد

تا الان ساخته‌ام، بخشی از ماجرای آن‌ها یا در قصه‌های مادر و مادر بزرگم یا در قصه‌های کودکی خودم اتفاق افتاده‌اند. قصه «رؤیای یک اسب» فیلم مستند کوتاهی است که در جشنواره‌های بین‌المللی زیادی دیده شده است. این فیلم سرگذشت دانش‌آموز دختر عشایری با نام شهناز است که آرزو دارد یک روز نویسنده بزرگی شود. او پشت دو کوه زندگی می‌کند و هفته‌ای سه روز برای رفتن به مدرسه به روستا می‌آید و دوست دارد با بعضی رسم‌های غلط روستا مبارزه کند و درس بخواند تا یک روز نویسنده بزرگی شود. شهناز این قصه، مرجان گذشته است. مرجان در گذشته در استان محرومی زندگی می‌کرد که سینما نداشت و اگر هم داشت، در مرکز استان بود و من تا نوجوانی سینما ندیدم. همیشه آرزو داشتم درس بخوانم و کارگردان شوم. این رؤیایی بود که از بچگی داشتم. فیلم رؤیای یک اسب، قصه گذشته خودم و آرزوهای خودم و مادرم است. دختر بچه‌ها یا پسر بچه‌های عشایری جسورانه تلاش می‌کنند و دوست دارند درس بخوانند و اتفاق ویژه‌ای برایشان بیفتد. این بچه‌ها به خاطر زیست سختشان راحت‌تر در برابر مشکلات مقاومت می‌کنند. در نتیجه بیشتر به آرزوهایشان می‌رسند. اما خیلی هم پیش می‌آید که به خاطر محرومیت دست از رؤیاهایشان می‌کشند.

### ■ وقتی جایزه جشنواره فیلم رشد را دریافت کردید، چه احساسی داشتید؟

این جایزه برای من خیلی ارزشمند بود. چون موضوع فیلم من در مورد یک بچه جسور است. من یک هفته را به خاطر شهید لندی اشک می‌ریختم. وقتی این جایزه را دریافت کردم، برایم عجیب بود و از ارزشمندترین جوایزی بود که دریافت کردم.

### ■ حوزه سینما با حوزه نمایش یا کتاب کودک و نوجوان تفاوت معناداری دارد؟

سینما فراگیرتر و جهان‌شمول است. سینما قابلیت پخش در دنیا را دارد و می‌تواند مخاطبان بیشتری را آموزش دهد. خیلی وقت‌ها در تاریخ کشورها یک فیلم سینمایی توانسته است جریان‌ساز شود. البته نمایش، ادبیات و کتاب سرمایه‌های اصلی سینما هستند. یعنی اگر سینماگری خوب می‌درخشد، ادبیات، کتاب و نمایش را به خوبی فهمیده است.

### ■ تصویر از نوجوان در سینما باید چگونه باشد؟

فیلم‌هایی که ما با محوریت کودک و نوجوان تولید می‌کنیم، باید عنصر (المان)‌هایی داشته باشد که وقتی بچه‌ها به سینما می‌روند، الگوی مناسبی برای دیدن داشته باشند. شجاعت، بخشش و رفتن به دنبال آرزوها از بزرگ‌ترین ویژگی‌هایی هستند که شخصیت یک فیلم می‌تواند به مخاطبش که کودک و نوجوان است بدهد. من به چشم دیدم که وقتی کودک را در جامعه سینما رها می‌کنی و آموزش می‌دهی، از آن الگوبرداری می‌کند. قصه‌های مجید یا خواهران غریب خیلی روی کودکی من تأثیر داشت. دوست دارم این تأثیر در کسانی که فیلم‌های من را می‌بینند هم اتفاق بیفتد. مثلاً صمیمیت بین خواهر و برادر فیلم بچه‌های آسمان مجید مجیدی روی من خیلی تأثیرگذار بود. تا جایی که میلاد، برادرم، تأثیرگذارترین و مهم‌ترین شخصیت زندگی من است. همکاری من نیز هست و همیشه تهیه‌کننده فیلم‌های من بوده است. فیلمی که در مورد کودک و نوجوان ساخته می‌شود، اگر بتواند جهان همان یک شخصیت را که نقش فیلم را بازی کرده است تغییر دهد و از او انسانی درست و فهمیم بسازد، رسالت فیلم را تمام کرده است. چه بسا ما به واسطه یک فیلم می‌توانیم آینده تعداد زیادی کودک را تغییر دهیم. تا اینجا با دیده شدن فیلم مستند رؤیای یک اسب اتفاقات مثبتی افتاده است. با کمک معلم روستا، سید اسماعیل رضوی، و چند خیر، اولین کتاب قصه این کودک به اسم «لباس پولکی برای گلنار» چاپ شد. به واسطه یک فیلم مستند که در کشور نمایش سراسری هم داده نمی‌شود، جریانی ایجاد شد که دختران روستا تصمیم بگیرند درس بخوانند و به دنبال آرزوهایشان بروند. اتفاقاً شهناز قصه ما هم نجات پیدا کرد. او مشغول درس خواندن است و امیدوارم یک روز نویسنده بزرگی شود.

### ■ نکته ناگفته؟

خانواده‌ها آرزوهای بچه‌هایشان را جدی بگیرند. با آرزوهای بچه‌هایشان مهربان‌تر عمل کنند. آرزوهای بچه‌هایشان را بیشتر ببینند. از دل همین آرزوهای کوچک بچه‌های بزرگی تحویل جامعه داده می‌شوند. آرزویم برای بچه‌های زاگرس این است که همه‌شان در شرایط آموزشی مناسبی به آرزوهایشان برسند. همچنین، امیدوارم جشنواره بین‌المللی فیلم رشد، به‌عنوان قدیمی‌ترین جشنواره کشور، هر سال به کیفیتی که درخورش است، نزدیک‌تر شود.